

دفاع مشروع

آیت الله سید محمدحسن مرعشی
استاد حوزه و دانشگاه

دفاع مشروع از موضوعات مورد بحث در فقه و حقوق می باشد که در این مقاله از جهات مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- دفاع از نظر لغت:

دفاع در معانی زیر استعمال شده است:

الف - دور کردن از کسی (منتهی الارب).

ب - دفع کردن (تاج المصا در بیهقی).

ج - همدیگر اراندن (منتهی الارب).

د - ماطله کردن از حق کسی (اقرب الموارد).

ه - یآوری کردن و حمایت کردن از کسی (پیشین).

به معانی دیگری نیز در لغت بکار رفته که با مراجعه به کتابهای لغت میتوان آنها را بدست آورد.

۲- دفاع در اصطلاح فقهی:

دفاع در اصطلاح فقهی دارای معانی گوناگونی است زیرا گاهی بمعنای جهاد بکار رفته، مانند موقعی که دشمنان حمله کنند و مردم ناچار گردند که از جان و مال و عرض خود و دیگران دفاع نمایند.

حضرت امام قدس الله نفسه الزکیه در کتاب وزین تحریر الوسیله دفاع را به دو قسم تقسیم فرموده است:

۱- دفاع از حوزه اسلام.

۲- دفاع از نفس و مانند آن.

و در ارتباط با قسم اول میفرمایند:

اگر کشورهای اسلامی و یا مرزهای آنها از طرف دشمن خطرناکی مورد حمله قرار گیرد، به گونه ای که مجتمع اسلامی در معرض خطر باشد، دفاع بر همه واجب است و سپس این امر را بر استیلاء سیاسی و اقتصادی نیز تعمیم داده و میفرمایند: اگر روابط تجاری با دشمنان اسلام حوزه اسلام و بلاد مسلمین را از نظر سیاسی مورد خطر قرار دهد، بر همه مسلمانان واجب است از چنین روابطی خودداری نمایند؛ و اگر بعضی از دولت‌های اسلامی و یا نمایندگان مجلس از نظر سیاسی و یا اقتصادی موجب آن گردند که اجانب از نظر سیاسی و اقتصادی در کشورهای اسلامی نفوذ پیدا کنند، چنین کسانی خائن محسوب شده و باید از مقامشان معزول گردند. سپس به بحث درباره بخش دوم دفاع پرداخته اند که مقصود مانیز از دفاع مشروع همین بخش میباشد، بنابراین لازم است در ابتداء روایات وارده در باب دفاع را تا حدی که مناسب با وضع مقاله باشد نقل نمایم.



دفاع از جان، مال و عرض
خود و دیگران هر چند اجنبی
باشند واجب است.

دفاع عملی است مشروع که
در این راستا اگر مهاجم به قتل
هشم برسد، خوش هدر
می باشد.

اگر مدافع از حدود ضروری
دفاع تجاوز کند، مستجاوز
محسوب می گردد.

۱- محمد بن زیاد جبلی از ابی عبدالله (ع) نقل میکند که آنحضرت فرمودند: رسول خدا (ص) فرموده است: من قتل دون عقال (عیال) فهوشهد (وسائل الشیعه ۹۲/۱۱)

۲- عبدالله بن سنان از ابی عبدالله (ع) نقل میکند که فرمودند رسول خدا (ص) فرموده است: من قتل دون مظلّمه فهوشهد (وسائل الشیعه ۹۲/۱۱) و مقصود از این دو حدیث و مانند آن این است که هر کس برای دفاع از مالش، (عیالش) و یا هرستمی که به او شده است کشته شود حکم شهید رادارد.

۳- هشتم که یکی از اوایان حدیث است میگوید به امام باقر (ع) گفتم: دزد در خانه من وارد میشود و قصد جان و مال مرادارد، در پاسخ فرمودند: اورابکش، خداوند و هر کس را که این سخن رامیشود شاهد و گواه بر این قرار می دهیم که خون وی مباح است.

و در بعضی روایات آمده است:

خداوند از بنده ای خشمگین است که دزد بخانه اش وارد شود و او بمقابله بر نخیزد.

و در روایت و هب از امام جعفر صادق (ع) از پدرش (ع) آمده است که اگر فردی بخانه ات وارد شود و قصد اهل و مال تو را داشته باشد اگر بتوانی بزدن او مبادرت نمایی، مبادرت نما (اورابزن) زیرا دزد محارب با خدا و رسول است و از حضرت امام رضا (ع) سؤال شده که مردی در سفر است و کنیزی همراه اوست و گروهی می آیند تا کنیز او را بگیرند، آیا باینکه میترسد کشته شود از گرفتن او ممانعت نماید؟ در پاسخ فرمودند: آری و سپس پرسیدم اگر زنی همراه او باشد همین حکم رادارد فرمودند آری پرسیدم مادر، دختر، دخترعمو و خویشان نیز چنین هستند، هر چند بترسد کشته شود؟ در پاسخ فرمودند: آری و اگر مالش نیز در معرض خطر باشد دفاع از آن واجب است هر چند از کشتن خود بیم داشته باشد. از این روایات استفاده میشود که دفاع از جان و مال و عرض خود و دیگران هر چند اجنبی باشند واجب است.

کلمات فقهاء:

حضرت امام در جلد یک تحریر الوسیله باب دفاع میفرماید: لا اشکال فی ان للانسان ان یدفع المحارب والمهاجم واللص ونحوه عن نفسه وحریمه وماله ما استطاع.

محقق نیز در شرایع همین عبارت را بیان فرموده است. صاحب جواهر پس از جمله «ما استطاع» میفرماید: لا اصل والاجماع بقسمیه و ماتقدم من النصوص فی المحارب بل وعن غیره الاصل وعموم الاعانة علی البر و غیر ذلک.

یعنی برای انسان جایز است تا محارب، مهاجم، دزد و مانند اینها را از خود و حریم و مال خود، در صورتی که بتواند منع نماید. تردیدی نیست که دفاع از امور مذکوره به حکم عقل فطری بلکه غریزی ثابت است. البته تنها انسان نیست که به حکم عقل

فطری از خود دفاع میکند بلکه حیوانات نیز به حکم غریزه ای که در نهاد آنها وجود دارد از خود در برابر هرگونه خطری که می خواهد متوجه آنها شود دفاع کرده و اگر قدرت بردفاع نداشته باشند، فرار میکنند. روایاتی نیز که درابتدای سخن نقل شد به همین امر فطری و غریزی برمیگردد.

و بر همین اساس است که کلیه مذاهب مختلف و حتی ملل غیر مذهبی، حق دفاع از خود را امری مسلم و قطعی تلقی نموده و هیچگونه تردیدی از این جهت بخود راه نمیدهند.

و در این راستا حتی اگر مهاجم کشته شود خون وی رامباح دانسته و مدافع رامسئول خون اونمی دانند.

توجه به این نکته ضروری است که فقهاء در امر دفاع فروعی را نیز بیان فرموده اند که ما آنها را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

تجاوز به جان:

حضرت امام (ره) در مساله دوم از بحث تجاوز به جان میفرماید:

اگر دزدی و یا غیر دزدی بخانه کسی وارد شود و قصد قتل او را داشته باشد، دفاع بر صاحب خانه واجب بوده و باید از هر وسیله ممکن که در اختیار دارد استفاده نماید، هر چند مهاجم کشته شود و تسلیم در برابر او بهیچ وجه جایز نیست و دلیل آن روایت هشتم است که قبلاً نقل گردید؛ و اما اینکه تسلیم در برابر او جایز نیست بخاطر این است که اگر بخواهد در برابر چنین کسی تسلیم شود کشته میشود و بدیهی است که حفظ نفس بر او واجب است و اگر از خود دفاع نکرد و کشته شد در قتل نفس خود، به قاتل کمک و مساعدت کرده و این امر شرعاً و عقلاً حرام است. سپس در مساله ۳ از همین بحث مساله هجوم به پسر، دختر، برادر و یاسایر افرادی که بانسان ارتباط دارند حتی خادم و خادمه را بیان کرده و میفرماید دفاع از این افراد واجب بوده و کشتن مهاجم جایز و مشروع می باشد، همه فقهاء در این حکم اتفاق نظر داشته و روایات نیز بر آن دلالت دارند؛ مانند روایتی که قبلاً از حضرت رضا (ع) نقل نمودیم که صراحتاً بر این حکم دلالت مینماید.

بنابراین هیچگونه تردیدی نیست که اگر مهاجم قصد قتل داشته باشد، دفاع واجب است و تسلیم در برابر او حرام بوده و خون وی هدر میباشد.

تجاوز به عرض و ناموس:

سپس در مساله ۴ میفرماید اگر مهاجم بخواهد بحریم انسان تجاوز کند (و قصد قتل نداشته باشد) در این صورت نیز دفاع واجب بوده و بهر نحو ممکن دفع او لازم میباشد، هر چند بقتل مهاجم بیانجامد و اضافه میفرماید که اگر قصد تجاوز نداشته باشد اما قصد مادون تجاوز را داشته باشد (مانند اینکه بخواهد از او استمتاع نماید) در این مورد نیز واجب است دفاع کرده

و نگذارد کسی متعرض عرض و ناموسش شود، هر چند شخص مهاجم کشته شود.

سخن صاحب ریاض:

صاحب ریاض در کتاب ریاض و جوب دفاع از عرض و عدم جواز تسلیم رامورد اشکال قرارداده و فرموده است: ظاهراً در این مورد تسلیم جایز باشد، چنانکه علامه در تحریر به این حکم تصریح کرده و فرموده " چون حفظ نفس بر حفظ عرض اولویت دارد نمیتواند مهاجم را بقتل رساند".

برخی از روایات نیز مبین همین نظریه میباشد زیرا در این روایت آمده است اگر زنی از روی اضطراب زنادهد حد بر او جاری نمیگردد و از این روایت استفاده میشود اگر زنی مورد تهاجم واقع شود و عرض او مورد خطر قرار گیرد عمل او شرعاً حرام نیست و چون عمل او حرام نمیشود دفاع بر او واجب نمیشود.

و در قرآن مجید آمده است:

فَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا تُمَلِّهُ عَلَيْهِ (سوره بقره آیه ۱۷۳)
بنابراین، شخصی که عرض او مورد هجوم قرار میگیرد، مضطرب است و گناهی بر او نیست.

صاحب جواهر این استدلال رامورد مناقشه قرارداده و فرموده است: اگر ما بپذیریم که حفظ نفس اهم از حفظ عرض است و در مقام تعارض باید نفس را حفظ کرد اما در صورتی که کسی بتواند از عرض خود دفاع کند و نجات او معلوم و یا مظنون بوده باشد، دفاع واجب است و چنانچه تسلیم شود عمل او حرام میباشد. آیه شریفه اشاره به موردی دارد که کسی نتوانسته باشد از عرض خود دفاع کند؛ مضافاً باینکه دلیلی بر جواز تسلیم عقلاً و شرعاً وجود ندارد و علامه در قواعد، تسلیم را در برابر مهاجم به عرض جایز ندانسته است.

ظاهراً در مواردی که اشاره گردید اختلافی بین فقهاء وجود نداشته و بسیاری از روایات نیز بر آن دلالت مینماید.

تجاوز به مال:

حضرت امام راحل قدس الله نفسه الشریفه در مسأله ۵ تجاوز
به مال (مال خود یا مال همسر) را مطرح نموده و میفرمایند:
اگر کسی مال انسان و یا همسر او را مورد هجوم قرار دهد، دفع وی با هر وسیله‌ای که باشد جایز است هر چند منجر بقتل او (مهاجم) گردد و در این حکم نیز اختلافی بین فقهاء نیست.

و در این رابطه میتوان به روایت حسین بن ابی العلاء استدلال کرد، زیرا در این روایت آمده است که از امام صادق (ع) پرسیدم، مردی برای حفظ مال خود مقاتله میکند (حکمش چیست) در پاسخ فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است "اگر کسی در راه حفظ مالش کشته شود بمنزله شهید است". گفتم مقاتله افضل است یا نه فرمودند: اگر مقاتله (دفاع) نکند بهتر است و اگر من باشم مقاتله نمیکنم و آنرا همایسازم (وسائل ۹۳/۱۱).

تناسب دفاع با خطر:

در ماده ۱۸۴ قانون مجازات عمومی ایران و ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی آمده است هرگاه قتل و جرح و ضرب در مقام دفاع از نفس، عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل، مرتکب مجازات نمیشود؛ مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری بوده باشد که مرتکب راتهدید میکرده است و در بند ۲ ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی آمده که دفاع بایستی متناسب با حمله باشد.

بحث و بررسی ماده فوق:

بعضی از حقوقدانان ماده فوق الذکر را مورد مناقشه قرارداده و در این باره مینویسند:

عبارت ساده و خالی از ابهام بنظر رسیده و از مطالعه متن ماده چنین استنباط میگردد که شخص مورد حمله، در مقام دفاع نباید مرتکب عملی شود که شدید تر از خطر ناشی از تهدید حمله کننده باشد، یعنی اگر مهاجم، او را به ایراد ضرب ساده تهدید کرده (مثل اینکه گفته باشد یا نشان بدهد که میخواهد او را چند مشت و لگد بزند) وی حق ندارد برای دفع چنین خطری جز ایراد ضرب ساده مرتکب عمل دیگری شود و باین ترتیب ارتکاب قتل برای دفاع فقط در صورتی مجاز خواهد بود که جان شخص مدافع در خطر قرار گرفته باشد. اما این تحلیل ساده، صحیح نبوده و به دلائل زیر در عمل نیز قابل اجراء و اعمال نمیشود:

اولاً- اگر برای دفع خطر کمتر، ارتکاب جرم بزرگتری ضروری باشد منع مدافع و نامشروع شناختن عمل او خلاف عدل و منطوق است. فرض کنید کسی میخواهد چشم شمارا کور کند و شما مطمئن هستید با عملی که در قیاس صوری از حیث اهمیت هم درجه بانابینایی و متناسب با آن باشد نمی‌توانید از وی جلوگیری نمائید بنابراین ناچار می‌شوید که طرف را حتی بقتل برسانید، آیا عمل شما نامشروع است؟ بدیهی است که هیچ وجدان سالمی چنین حکمی نکرده و هیچ قاضی منصفی برای اینکه نگذاشته‌اید از نعمت بینایی محروم‌تان کنید، شمارا محکوم نخواهد ساخت. درست است که آدمکشی فی نفسه شدیدتر از ایراد جرح (حتی منتهی به نقص عضو مثل کوری) میباشد و با اصطلاح با آن نامتناسب است اما برای جلوگیری از حمله نامشروع چنانکه ارتکاب آن ضرورت داشته باشد نامتناسب نخواهد بود.

ثانیاً- تعیین میزان خطر غالباً میسر نمی‌باشد، بنابراین تعبیر تناسب دفاع و خطر به مشابَهت و توازن اقدام دفاعی با صدمه ناشی از خطر احتمالی، علاوه بر اینکه صحیح و منطبق با موازین حقوقی نیست، عملی هم نمیشود (دفاع مشروع تألیف دکتر عباس باقری تهران ۱۳۴۲ ص ۱۰۹ و ۱۱۰)

اکتفاء گردد و اگر کسی بخواهد از حد ضرورت تجاوز نماید متجاوز محسوب میگردد. ولی در عین حال اگر حدود دفاع را رعایت کند و معذالک مهاجم بقتل برسد، هیچگونه مسئولیتی متوجه مدافع نخواهد بود. حضرت امام قدس سره همین حکم را در مسأله ۷ بیان فرموده است.

دفاع در صورت امکان فرار

حضرت امام راحل قدس الله نفسه الزکیه در تحریر الوسیله میفرماید: لو امکن التخلص عن القتال بالهرب ونحوه فلاحوط التخلص به یعنی اگر امکان داشته باشد که کسی از راه فرار و مانند آن از قتال با مهاجم خود رها سازد، احوط آن است که فرار نماید. بعضی گفته اند دلیل این حکم در نظر گرفتن الاسهل فالاسهل در دفاع میباشد و بدون شک فراریکی از مصادیق این امر است بنابراین مقتضای جمع بین ادله حرمت قتل، جرح، تصرف در احوال و نفوس از یک طرف و ادله عدم جواز تحمل ظلم و ضرر و وجوب دفاع از طرف دیگر، این است که گفته شود دفاع منجر به قتل و جرح وقتی واجب است که راه فراری برای مدافع جز دفاع وجود نداشته باشد؛ اما اگر بتواند فرار کند واجب است فرار نماید و مرتکب قتل و جرح مهاجم نشود ولیکن این استدلال مخدوش است زیرا فرار از مصادیق دفاع نیست تا بتوان آنرا راه سهلتری دانست.

واژه تناسب چنانکه گفته شد در قانون مجازات عمومی ایران آمده و پس از انقلاب نیز همین واژه در قانون مجازات اسلامی بدون کم و کاست نقل گردیده و ظاهراً مراد از آن این است که در دفاع مشروع، شخص مدافع نباید اعمالی را انجام دهد که ارتکاب آنها برای تحقق دفاع ضرورتی ندارد. بنابراین در دفاع لازم است رعایت الاسهل فالاسهل گردد. مرحوم محقق صاحب جواهر نیز همراه با متن شرایع عباراتی باین مضمون دارند، که فقهاء بدون اختلاف قائل به این هستند که بایستی در دفاع از آسانترین راه استفاده کرد، چنانچه مهاجم بایک صدا دفع میشود باید او را به این طریق دفع نمود و اگر دفع نمیشود لازم است با صیحه کشیدن، کمک گرفتن و در صورت عدم دفع میتواند او را، با دست و سپس با ضرب عصا و در آخرین مرتبه با سلاح دفع نماید و رعایت این مراتب طبق نظر مشهور لازم است.

بهر حال مرحوم صاحب جواهر در ذیل عبارات فوق لزوم رعایت مراتب را مورد اشکال قرار داده و فرموده است: به مقتضای عمومات و اطلاقات ادله دفاع، شخص مدافع میتواند از همان ابتدا بهرنحوی که میخواهد مهاجم را دفع نماید، به ویژه اگر دفاع در ارتباط با محارب، دزد محارب و کسی باشد که می خواهد بخانه‌ای که در آن زنان نامحرم هستند نگاه کند و سپس میفرماید اگر وجوب رعایت ترتیب اجماعی نباشد میتوان آنرا مورد مناقشه قرار داد، بلکه میتوان ادعا کرد که سیره برخلاف آن میباشد. لکن کلام صاحب جواهر خالی از اشکال نیست زیرا هر مسلمانی خونش محترم است و نمیتوان شخص مهاجمی را که دفع وی به آسانی ممکن است، به طرزی شدید دفع نمود و اطلاقات ادله دفاع بهیچوجه ناظر به کیفیت دفاع نبوده و فقط از آنها نتیجه گیری میشود که دفاع عملی است مشروع و در این راستا اگر مهاجم بقتل هم برسد، خونش هدر میباشد ولیکن بهیچوجه دلالت بر این ندارند که کشتن وی مطلقاً جایز است، حتی اگر دفع او بایک صدا و یا صیحه امکان پذیر باشد. فلذا محقق در شرایع میفرماید: و یدهب دم المدفوع هدراً جرحاً کان او قتلاً" یعنی اگر شخص مدافع (مهاجم) کشته شود، خونش هدر است و البته مقتضای این سخن بهیچوجه این نیست که جایز است بطور مطلق او را بقتل رسانید و بسیاری از حقوقدانان نیز همین نظریه را پذیرفته اند.

گزاره در این باره میگوید:

مدافع اگر از حدود ضروری دفاع تجاوز کند، متجاوز محسوب میگردد و اینکه برخی از فقهاء و حقوقدانان بشخص مدافع اجازه می دهند تا مهاجم را بهرنحوی که میخواهد دفع نماید (هر چند با کشتن او) نمیتواند قابل قبول باشد؛ زیرا چنین نظریه‌ای باطل است و دفاع هر چند فی الجمله ضرورت دارد اما از باب اینکه میگویند الضرورات تنقذ بقدرها لازم است بمقدار ضرورت



مقصود از دفاع این است که شخص مدافع بتواند جان و مال و عرض خود را در مقابل مهاجمی که میخواهد به او آسیب وارد نماید حفظ کند، بنابراین اگر بتواند فرار کند بطوریکه خود و یا شخص مهاجم دچار آسیبی نگردند واجب است فرار کند، اما اگر فرار نکند و در مقابل مهاجم مقاومت نمود و در نتیجه مهاجم دچار آسیب گردید، مدافع مسئولیتی در برابر او نخواهد داشت زیرا مهاجم در اثر حمله‌ای که کرده بر ضرر خود اقدام نموده و

هرچند دفع او منجر به قتل او شده باشد و همه فقهاء در این حکم اتفاق نظر دارند و اختلافی بین آنان نیست و روایات متعددی نیز بر آن دلالت مینمایند. از جمله روایت صحیحہ حماد و صحیحہ محمد بن مسلم است که در آنها آمده است، امام باقر (ع) فرمودند: ناموس مسلمان بر مسلمان حرام است و هر کس به منزل شخصی با ایمان مشرف گردد، بر صاحب منزل جایز است که هر دو چشم او را کور کند. (وسائل ۱۲ - ۴۸)

البته از آنجایی که در مقام دفاع باید از آسانترین راه استفاده نمود، اگر از همان ابتدا از راه شدیدتر اقدام نماید ضامن خواهد بود. حضرت امام قدس سره این حکم را در ارتباط با کسی که بخواهد از راه گذاشتن آینه و یا هر وسیله دیگری نگاه کند نیز تعمیم داده‌اند.



در حقیقت خودش سبب آسیب بر خود گردیده است. بعبارت دیگر در مورد دفاع، سبب که مهاجم است از مباشر اقوی است و مسئولیت متوجه خود او میگردد.

و به مجرد تمکن مدافع بر فرار، نمیتوان در صورت عدم فرار مسئولیت را از مهاجم که اقوی از مباشر (مدافع) است برداشت، زیرا مهاجم در اثر تهاجم خون و مال خود را بی ارزش نموده است. و چنانچه ما فرار را یکی از مصادیق دفاع بدانیم پس در صورت عدم فرار (با تمکن از فرار) نیز باید مدافع را مسئول خسارات وارده بر مهاجم بدانیم زیرا رعایت آسانترین راه را برای دفاع از خود نکرده است، و این امر مردود و غیر مقبول میباشد. حتی در پاره‌ای از موارد هر چند فرار ممکن باشد، اما شرعی و قانونی نیست مانند فرار از جنگ، زیرا در جنگ مسأله حفظ جان، مال و یا عرض شخصی مطرح نیست بلکه ملاک در جنگ حفظ دین و کیان مسلمین و مال و عرض آنان است که دارای جنبه عمومی می‌باشد. بنابراین اگر دشمنی به مرزهای اسلامی حمله نماید نه تنها نباید فرار کرد، بلکه دفاع نیز واجب میگردد. بعبارت دیگر در مسأله جنگ امکان فرار شرعاً و قانوناً وجود ندارد، هر چند امکان آن عرفاً وجود داشته باشد.

زیرا در جنگ دفاع شخصی مطرح نیست تا فرار امری مشروع و قانونی باشد بلکه مقصود از جنگ دفاع از کشور و مردم و دین آنان میباشد و فرار در چنین مواردی عقلاً و شرعاً و قانوناً حرام است. با توضیحاتی که داده شد حکم مسأله زدن نیز معلوم میگردد زیرا درست است که صیحه کشیدن و داد زدن برای دفع مهاجم واجب است اما اگر دشمن باز هم او را مورد حمله قرار دهد و مدافع ناچار شود نسبت به وی جنایتی وارد آورد، مسئول نخواهد بود زیرا سبب که حمله دشمن باشد از مباشر اقوی خواهد بود.

در ارتباط بانگاه کردن:

هرگاه شخصی قصد داشته باشد تا از راه نامشروع به زن و یادختر کسی نگاه کند و بخانه او از محلی نظر افکند و دفع او نیز بانهی از منکر ممکن نباشد، آیا دفع او با زدن و یا حتی مراتب شدیدتر از آن واجب و یا جایز است؟ از کلمات فقهاء مستفاد میگردد که دفاع از عرض مطلقاً واجب است، خواه تجاوز بعرض از راه زنا باشد و یا از مراتب نازلتر.

حضرت امام قدس سره در مسأله ۳۰ از باب دفاع میفرماید: هر کس بقصد نگاه کردن به ناموس قومی بخانه آنان نظر افکند و آن نظر شرعاً حرام باشد، صاحب خانه می‌تواند او را از انجام چنین کاری منع نماید بلکه منع او در چنین صورتی واجب است و اگر منع و زجر کافی نبوده و ناچار گردند که او را با سنگ و یا آلات قتاله ای دفع نمایند و این عمل موجب جنایتی بر وی گردد، مسئولیتی متوجه مدافع نخواهد گردید